

توضیح و پاسخ به مقالات آقایان دکتر ابراهیم یزدی و سلیمی نمین

## جهادسازندگی ؛ از جنبش تا نهاد

مقاله آقای دکتر محمد حسین بنی اسدی معاون نخست وزیر در دولت موقت در امور همکاری های دولت و

مردم در شرق

۸۵/۳/۳۰

آقای دکتر ابراهیم یزدی در مقاله ای تحت عنوان فانتزی انقلابی (دیدار با فیدل کاسترو) که در سالنامه شرق، شماره ۲، سال ۱۳۸۴، صفحه ۱۹، به چاپ رسیده است، ضمن تشریح سفر خود به کوبا و ملاقات با فیدل کاسترو و بیان چگونگی پیروزی انقلاب ایران و خارج شدن از سنت و پیوستن ایران به جنبش کشور غیرمتعهدها، درباره چگونگی تشکیل جهادسازندگی نیز مطلبی مطرح فرموده اند که احتیاج به توضیح و تصحیح دارد. آقای عباس سلیمی نمین نیز در پاسخ خود به مقاله مذکور در شرق مورخ ۲/۲/۱۳۸۵ با تاکید بر سهو یا اشتباهی که در مقاله مذکور رخ داده است، استنباط ها و نتایج را مطرح فرموده اند که به نظر اینجانب آنها هم نیازمند تذکر و تصحیح است. اینجانب در سال ۱۳۵۸ به عنوان معاون نخست وزیر در امور همکاری های مردمی، طرح جهاد سازندگی را در تاریخ ۲۷/۲/۵۸ به کنفرانس استانداران ارائه کردم و سپس به اتفاق آقای دکتر یزدی در جلسه ای در اواسط خرداد ۵۸ قم و با حضور مرحوم سید احمد خمینی، خدمت امام خمینی (ره) ارائه کردیم. لذا لازم می دانم توضیح کوتاهی در مورد چگونگی تشکیل جهاد سازندگی برای روشن تر شدن جریان امر بدهم ۱- پس از پیروزی انقلاب، جوانان، به ویژه دانشجویان، سرشار از شور و هیجان برای خدمت و تغییر و دگرگونی در اوضاع جامعه بودند. در فروردین ماه ۱۳۵۸، عصرهای جمعه جلساتی با شرکت دانشجویان در نخست وزیری تشکیل می شد و مسائل مهم کشور و چگونگی مشارکت جوانان در حل مسائل مذکور از جمله عمران و رفع محرومیت از روستاها مطرح می شد. آقای دکتر یزدی در این دوره معاونت نخست وزیر در امور انقلاب را به عهده داشته و تشکیل و اداره این جلسات را عهده دار بودند. این جلسات در یکی از سالن های بزرگ طبقه دوم یا سوم نخست وزیری تشکیل می شد و چون تعداد دانشجویان نسبتاً زیاد بود، همه روی زمین نشسته و در فضای دوستانه و صمیمانه مسائل مختلف را با روحیه نقد و انتقاد و آمادگی برای اصلاح و تغییر مطرح می کردند. به عنوان مثال به خاطر می آورم که در یکی از این جلسات یکی از دانشجویان گزارش مفصلی از تحقیقاتی را که درباره نیروگاه اتمی بوشهر انجام شده بود به حاضرین ارائه داد و در آن به تفصیل شرح داد که چگونه نیروگاه اتمی مذکور موجب تخریب محیط زیست بوشهر و خلیج فارس خواهد شد و موجب از بین رفتن موجودات دریایی و ماهیان خواهد شد و (با توجه به ذخایر عظیم نفت و گاز کشور) ساختن نیروگاه مذکور را به صلاح کشور ندانسته و پیشنهاد می کرد که پروژه مذکور باید متوقف شود. تکمیل و راه اندازی نیروگاه مذکور که قرار بود در همان سال ها صورت پذیرد، در جو انقلاب و احساس آن روزگار متوقف شد. البته پس از آن، سال ها گذشت تا مفید بودن طرح مورد تأیید مجدد قرار گرفت و سرمایه گذاری های عظیمی برای جبران خسارات، آماده سازی مجدد و ادامه و تکمیل آن صورت پذیرفت، با امید به آنکه بالاخره روزی به بهره برداری برسد. پس از انتصاب آقای دکتر یزدی به سمت

وزیر امور خارجه، مشارکت اینجانب در سمت معاون نخست وزیر در امور همکاری های مردمی در جلسات عصرهای جمعه با دانشجویان ادامه یافت. همان طوری که اشاره شد، جوانان پر از شور و هیجان و آماده برای فداکاری و ایثار در راه کمک به هموعان و هموطنان در هر زمینه از جمله رفتن به نقاط دوره افتاده و محروم کشور و همکاری و مشارکت در عمران و بهبود زندگی هموطنان بودند و احتمالاً حرکاتی را نیز در این راستا به طور پراکنده صورت داده بودند. معاونت نخست وزیر در امور همکاری های مردمی در این دوره که تقریباً از اوایل اردیبهشت ۱۳۵۸ آغاز می شد تهیه طرح های مختلفی را برای تغییر و تحول و سازماندهی با همکاری و مشارکت مستقیم جوانان و مردم تهیه کرد. این معاونت از جمله طرح های تشکیل صندوق ملی ترمیم خسارات دوران انقلاب که ایده اولیه آن را خود مرحوم مهندس بازرگان مطرح ساختند، طرح احیای مساجد، طرح صندوق های قرض الحسنه، شوراهای شهر و شهرستان و بالاخص طرح جهاد برای سازندگی را با همکاری آقای مهندس خسرو رحیم قشقایی تهیه و به اولین کنفرانس استانداران کشور در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۸ پیشنهاد کرد. نام جهاد برای سازندگی به وسیله اینجانب براساس مطالعات دانشگاهی همان سال ها درباره توسعه و تحول اجتماعی از دیدگاه سیستمی، انتخاب و با نظر یکی از دوستان به طور خلاصه به صورت «جهاد سازندگی» پیشنهاد شد. روزنامه اطلاعات مورخ پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۸ (شماره ۱۵۸۵۶) در صفحه اول و به عنوان تیتر اول خود گزارش طرح جهاد سازندگی در سراسر کشور در کنفرانس استانداران که به وسیله معاون نخست وزیر (در امور همکاری مردم و دولت) پیشنهاد شده بود را به شرح زیر به اطلاع عموم رسانید: «... معاون نخست وزیر در امور همکاری های انقلابی صبح امروز در کنفرانس استانداران کشور طرح های انقلابی ایجاد صندوق ترمیم خسارات (دوران) انقلاب، «جهاد برای سازندگی»، احیای مساجد به عنوان ارگان های زنده در هر محل و تغذیه کننده شوراهای شهر و شهرستان و ایجاد صندوق های قرض الحسنه را تشریح کرد. مهندس بنی اسدی در زمینه طرح انقلابی جهاد برای سازندگی اظهار داشت: این طرح که نیاز فوری به همکاری مبتکرانه دولت و استانداران دارد در مدت کمی چهره روستاهای کشور را تغییر می دهد. اگر اولیای دانشگاه ها صلاح ببینند و موافقت کنند می توان از نیروی عظیم دانشجویان و کادر آموزشی دانشگاه ها بهره گرفت و با توجه به شرایط اقلیمی و فرهنگ و نیازهای مختلف کشور به ایجاد دگرگونی اساسی در راه سازندگی روستاها اقدام کرد.» یکی از مبانی این حرکت یا نهضت این بود که محبت و همبستگی را مبنای وحدت مردم قرار دهد، نه تنفر و تضاد را. در طول تاریخ متحد کردن مردم از طریق تبلیغ علیه یک دشمن مشترک و تقویت حس تنفر مردم نسبت به آن دشمن به کرات رخ داده بود. فلسفه جهاد سازندگی براساس دوستی و محبت نسبت به هموطنان محروم و ضرورت یاری رساندن به آنان و ایجاد ارتباط و تعامل بین شهرهای بزرگ و روستاهای محروم و نیل به وحدت در راستای تحقق این هدف بود. روزنامه اطلاعات مورخ ۲۷ اردیبهشت ۵۸ هدف های جهاد سازندگی را با توجه به آنچه در کنفرانس استانداران مطرح شده بود به شرح زیر گزارش داد: «وحدت بخشیدن به نیروهای مشتاق و پرشور داوطلب کار، به خصوص دانشجویان، دانش آموزان، دیپلمه ها و افراد بیکار، هدایت ایشان جهت سازندگی بعد از انقلاب و جلوگیری از هرز رفتن و انحراف این نیروها، ایجاد ارتباط بین مستضعفین و گروه های متفکر» اعلام می دارد. نحوه سازماندهی و ویژگی های این طرح نیز در کنفرانس مذکور مطرح و به وسیله همان شماره روزنامه اطلاعات جهت اطلاع مردم به شرح زیر گزارش شد:

۱- سازماندهی طرح بایستی از اصل عدم تمرکز و استقلال و خود اتکایی واحدهای اجرایی برخوردار باشد.

۲- در کلیه سطوح مختلف این سازمان مشارکت کلیه قشرهای جامعه برای همکاری جلب شود.

۳- مدیریت طرح براساس مفاهیم مدیریت درونی باشد. بدین لحاظ باید در کلیه سطوح شوراهای نقش اصلی را داشته باشند.

۴- غیر بوروکراتیک بودن طرح.

۵- مردمی بودن منابع مالی (حتی الامکان).

۶- هماهنگی فعالیت ها و پروژه با سیاست ها و خط مشی های دولت.

۷- داوطلبانه بودن و افتخاری بودن مشارکت در فعالیت های طرح، دوش به دوش روستاییان و مردم.

۸- سازماندهی طرح به صورت غیر متمرکز و تحت نظر شوراهای جهادسازندگی در سطح شهر و شهرستان و منطقه.

پس از ارائه طرح جهاد برای سازندگی به کنفرانس استانداران و تائید کلی نخست وزیر دولت موقت، مرحوم مهندس بازرگان، از آقای دکتر یزدی که مناسبات نزدیکی با امام خمینی(ره) داشتند خواهش کردم درخواست ملاقات کنند تا در جلسه ای طرح را به نظر ایشان رسانده درخواست تصویب و اعلام عمومی آن را بکنیم. این ملاقات با اندکی تاخیر در حدود دهم تا پانزدهم خرداد ۱۳۵۸ در قم صورت گرفت و در جلسه ای با حضور مرحوم آقای سید احمد خمینی و آقای دکتر ابراهیم یزدی خدمت امام (ره) ارائه و پیام مختصری که روی یک صفحه تایپ شده بود همراه توضیحات تقدیم ایشان شد. ایشان ضمن تائید طرح روی یک موضوع تاکید کردند و فرمودند که برای جلوگیری از نفوذ عوامل غیر مطمئن و مخرب به درون این حرکت چه فکری کرده اید و خواستند که در این مورد دقت شود. پس از حدود ۱۰ روز از ملاقات مذکور، امام خمینی(ره) طی پیام رادیویی در تاریخ ۲۶ خرداد ۱۳۵۸ ضرورت و آغاز فعالیت جهاد سازندگی را اعلام فرمودند و بلافاصله معاونت نخست وزیر در امور همکاری (مردم و دولت) اقدام به تشکیل و اعلام رسمی دفتر جهادسازندگی که مقدمات آن از قبل فراهم شده بود، کرد. روزنامه اطلاعات در شماره دوشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۸۵ (شماره ۱۵۸۸۲) در صفحه اول خود اعلام داشت: «دفتر جهاد سازندگی در تهران ایجاد شد. ستاد مرکزی جهاد سازندگی در نخست وزیری زیر نظر معاون نخست وزیر در امور همکاری های مردمی قرار دارد.» در پی تشکیل دفتر مرکزی جهادسازندگی در خیابان پاستور در نزدیکی ساختمان نخست وزیری کانون فارغ التحصیلان مستقل دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی در ۲۹ خرداد اعلام آمادگی برای همکاری در جهادسازندگی کرد و همزمان گروه های عظیمی از دانشجویان، کارکنان سازمان ها، ادارات و سازمان های مختلف آمادگی خود را برای همکاری اعلام داشتند. بلافاصله پس از صدور پیام امام(ره) از دفتر مرحوم دکتر بهشتی ضمن تماس تلفنی با دفتر معاونت نخست وزیر در امور همکاری نماینده امام در جهادسازندگی، آقای علی اکبر ناطق نوری معرفی شده و برای ملاقات با نخست وزیر مرحوم مهندس بازرگان و آغاز کار ایشان وقت تعیین شده بود. در همین اثنا حکم مسئولان جهاد سازندگی در ۲۳ استان به وسیله معاونت نخست وزیر در امور همکاری های مردمی صادر شد و فعالیت جهادسازندگی عملاً در سراسر کشور آغاز شد. تا آنجا که به یاد دارم و می دانم آقای مهندس امان پور از شرکت کنندگان جدی و پیگیر جلسات روزهای جمعه در نخست وزیری و همچنین آقای مهندس سید جعفر مرعشی بودند. متأسفانه

پس از استعفای دولت موقت، جهادسازندگی که به صورت یک نهضت و جنبش داوطلبانه و خودجوش طراحی و ایجاد شده بود، به یک وزارتخانه رسمی تبدیل شد. این امر از یک سو باعث شد که جنبش جهاد سازندگی به یک نهاد و سازمان و بوروکراسی تبدیل شود و از سوی دیگر به علت تشابه فعالیت های آن با فعالیت سازمان ها و دستگاه های اجرایی دیگر با آنها تضاد و تعارض پیدا کرد و موجب اخلاص در انجام وظایف آنها شد. بالاخره پس از حدود ۲۰ سال هر چند با ادغام وزارت جهادسازندگی در وزارت کشاورزی به این تضاد و تعارض تا حدودی پایان داده شد، روح جهادسازندگی احیا نشد.

۲- با توجه به مطالب فوق که به طور مستند در روزنامه های اردیبهشت و خرداد ماه سال ۱۳۵۸ موجود است (ازجمله روزنامه اطلاعات شماره های ۲۷ اردیبهشت و ۲۸ خرداد ۱۳۵۸ با شماره های ۱۵۸۵۶ و ۱۵۸۸۲)، مسلماً آقای دکتر یزدی به علت گذشت زمان دچار سهو یا اشتباهی درباره تاریخ تشکیل جهاد سازندگی و ارتباط آن با مسافرت ایشان به کوبا شده اند. در این مورد آقای دکتر یزدی به اینجانب چنین توضیح دادند که بحث تجربه کوبا شد نه در کوبا، بلکه در ایران توسط آقای اسکول یکی از وزرای دولت کوبا و رئیس هیات نمایندگی اعزامی کوبا به ایران بعد از انقلاب اسلامی در اسفند یا فروردین ۱۳۵۸ مطرح شده بود و ایشان همان زمان موضوع را در یکی از جلسات روزهای جمعه با جوانان عنوان کرده بودند.

۳- جناب آقای عباس سلیمی نمین در پاسخ خود به آقای دکتر یزدی در روزنامه شرق، مورخ ۱۳۸۵، ۲/۲، اشتباه قابل اغماضی که آقای دکتر یزدی در تاریخ اتفاقات و جزئیات وقایع کرده اند را پایه و مبنایی قرار داده اند تا کل شکل گیری اندیشه جهاد سازندگی و نقشی که ایشان و دولت موقت در ایجاد و راه اندازی آن داشتند مورد تردید قرار دهند. آقای سلیمی نمین تنها مستند خود را جمله ای قرار داده اند که یکی از دانشجویان در جریان یک گفت و گوی دو جانبه بین دانشجویان و امام(ره) در ۲۳/۳/۱۳۸۳ اظهار داشته است. که این جمله به هیچ وجه مغایر با مطالب تشریح شده در فوق نیست، بلکه موید آنها است. آقای سلیمی نمین مرقوم داشته اند: شکل گیری اندیشه تشکیل جهاد سازندگی و اینکه مهندسی این گام موثر و عظیم در انقلاب از آن چه کسی بود به ملاقات امام با دانشجویان در اوایل خرداد ۵۸ که طی آن و در گفت و گویی دو جانبه امام راه حل هایی را برای برطرف کردن مشکلات ارائه می دادند اشاره می کنیم: [بروید دعوتشان کنید به دانشگاه، نشینند که من تعیین کنم... البته اگر مسائلی باشد که من هم از دستم برآید که خدمت بکنم، من خدمتگزارم و می کنم و اگر چنانچه اینها که گفتید باید به جایی رجوع بشود، بنویسید روی ورقه ای بدهید اینجا تا من با آنها صحبت کنیم تا درست بشود] در اینجا یکی از حاضران از طرح آماده شد [برای جهاد روستاها سخن به میان آورد]. امام فرمودند: [بله، این مورد تأیید است.] [صحیفه امام، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلد هشتم ص ۱۳۴- ملاقات گروهی از دانشجویان تهران، ۲۳ خرداد ۵۸] همان طوری که متن مورد استفاده فوق نشان می دهد جلسه ای در ۲۳ خرداد ۵۸ بین دانشجویان تهران و امام برای گفت و گو درباره مسائل مختلف کشور تشکیل می شود که یکی از حاضرین راجع به طرح جهاد روستاها سخن به میان می آورد و بلافاصله امام می فرمایند: «بله، این مورد تأیید است.» این نشان می دهد که ایشان از قبل نسبت به طرح مطلع شده و آن را مورد تأیید قرار داده بودند، به طوری که بلافاصله، بدون هر سؤال و پرسشی تأیید خود را اظهار می دارند. علاوه بر این نشان می دهد که دانشجوی مذکور به احتمال زیاد از همان دانشجویان

فعال در جلسات عصرهای جمعه نخست وزیری بوده و در جریان بحث‌ها و سپس ارائه طرح جهاد برای سازندگی به کنفرانس استناداران که حدود یک ماه قبل از آن ارائه و منتشر شده بود قرار داشته است. در ضمن باید به این نکته مهم توجه داشت که جهاد سازندگی تنها به روستاها محدود نمی‌شد و نقاط شهری محروم را نیز مورد توجه قرار می‌داد. به هر حال تا آنجا که اینجانب، به عنوان یک فرد مسئول، در جریان شکل‌گیری و آغاز به کار جهاد سازندگی بوم سعی کردم اطلاعات و مشاهدات و نقش خود را به طور مستند بیان کنم تا شاید به روشن‌تر شدن موضوع کمکی کرده باشم.

۴- جناب آقای سلیمی نمین موضوع پیشنهاد روز قدس از سوی آقای دکتر یزدی را مورد سؤال قرار داده و اظهار داشته اند: «از آنجا که آقای یزدی در مصاحبه با خبرگزاری فارس نیز مسائل مشابهی را مطرح کرده اند یا در کتاب خاطرات آقای محمدمهدی جعفری نیز به نقل از این فعال سیاسی ادعا شده که طرح روز قدس نیز از سوی ایشان به امام تسلیم شده است. علی القاعده مرکزی می‌بایست یادآور عدم انطباق این ادعاها با واقعیت‌های ثبت شده تاریخی بشود.» موضوع پیشنهاد روز قدس به امام (ره) به وسیله آقای دکتر یزدی و تأیید و اعلام ایشان از همان سال ۱۳۵۸ برای من و امثال ما موضوع یا خبر جدیدی نبود و هستند کسانی که از ابتدای پیروزی انقلاب و دولت موقت در داخل حاکمیت حضور داشته و گذشته را به خاطر می‌آورند. به عنوان مثال می‌توانید از آقای دکتر غلامعلی حداد عادل که در آن زمان معاونت وزارت ارشاد را به عهده داشتند واقعتاً این امر را سؤال بفرمایید. شادروان مهندس بازرگان نخست وزیر دولت موقت نیز در پیام روز قدس خود (۲۶/۵/۵۸) چنین می‌گوید: «تعیین چنین روزی به نام قدس، که بنا به پیشنهاد دولت موقت جمهوری اسلامی و پذیرش و دعوت عام امام و استقبال و اجابت تقریباً تمام ملل مسلمان جهان صورت گرفت...» موبد پیشنهاد روز قدس از طرف دولت موقت (و وزیر امور خارجه آن) است. (مشکلات و مسائل اولین سال انقلاب از زبان مهندس بازرگان زمستان ۱۳۶۱) متأسفانه طی سال‌های گذشته بسیاری از واقعیت‌های مدیریت انقلاب در طول سال‌های ۵۶ و ۵۷ و همچنین رخدادهای دوران انتقال نظام در سال ۵۸ قلب و وارونه شده اند که اثبات خلاف واقع بودن آنها با موانع سختی روبه‌رو است، لذا مسئولیت تلاش برای یافتن حقیقت برای کسانی که در زمینه تاریخ معاصر به تحقیق و مطالعه مشغولند بسی سنگین‌تر شده است.